

## «اصطلاحات قضایی»

### مهر :

مال معینی است که زوج به زوجه در عقد نکاح می دهد و انواع مختلف دارد.

### مهر المتعه :

اگر در عقد نکاح مهری ذکر نشده باشد و شوهر قبل از نزدیکی و تعیین مهر زن خود را طلاق دهد به زن مهر المتعه تعلق خواهد گرفت. برای تعیین مهر المتعه وضعیت و حال مرد از حیث فقر و غنا ملاحظه می شود.

### مهر المثل :

هر گاه هنگام عقد نکاح مهریه تعیین نشود و پس از نیکوکی و قبل از تراضی بر مهریه ای معین بر حسب شرافت و وضعیت خانوادگی زوجه و اوضاع و احوال او مهریه تهیه می شود.

### مهر المسمی :

مهری که در عقد نکاح معین شده یا تعیین آن به شخص ثالث واگذار می شود

### نسب :

رابطه شخصی به دیگری از طریق ولادت مانند پدر و پسر و یا بواسطه خویشاوندی مثل دو برادر.

### ورقه استشهاده :

استشهاده ورقه ای است رسمی یا عادی که گواهان شهادت خود را در آن به خط خود یا دیگری نوشته باشند

## وصیت تملیکی :

به موجب آن کسی عین یا منفعت مال خود را برای زمان پیش از مرگش به طور مجانی به دیگری می دهد

## ولی :

کسی که به حکم قانون اختیار دیگری را در قسمتی از امور داراست

## ولی قهری :

ولایت پدر یا جد پدری نسبت به صغیر

## ابلاغ :

رساندن اوراق دعوی مانند اخطاریه، اجرای حکم، اجراء سند و... به اطلاعات شخص یا اشخاص معین با رعایت تشریفات قانونی

## اتلاف :

از بین بردن مال دیگری را گویند، چه قسمتی از یک مال باشد و چه تمام آن، با اتلاف مال دیگری برای اتلاف کننده مسئولیت مدنی ایجاد می شود چه تلف عمدی چه غیر عمدی باشد. یعنی فرقی نمی کند کسی عمداً خانه دیگری را آتش بزند یا با روشن کردن آتش بیش از حد متعارف در حیات منزل خود بدون آنکه قصد آتش سوزی منزل دیگری را داشته باشد آتش به خانه دیگری سرایت کرده و موجب اتلاف گردد.

## اجاره :

عقدی است که به موجب آن یک طرف که موجر نامیده می شود و منافع عین مالی را (چه غیر منقول مانند خانه و چه منقول مانند خودرو) به ازای دریافت اجاره بها به طرف دیگر که مستاجر نامیده می شود منتقل می کند. اگر شخص منافع و نیروی کار خود را به ازای دریافت اجرت در اختیار دیگری قرار دهد به او اجیر و به استفاده کننده مستاجر می گویند.

## اجرائیه :

ورقه ای است که تحت تشریفات خاصی قانونی در مراجع قضائی یا اداری مانند ادراه ثبت اسناد و املاک تهیه می شود و مفاد آن متضمن دستور دادگاه به انجام موضوع آن است برای مثال حکم دادگاه مبنی بر پرداخت سه ماه اجاره بهای معوقه یا تخلیه ساختمان مسکونی یا الزم به تنظیم سند رسمی و ...

## اجرت المثل :

اگر کسی از مال دیگری استفاده کند و عین مال با استفاده کردن باقی باشد و از بین نرود مانند استفاده از اتومبیل یا خانه یا ملک دیگری، و بین استفاده کننده و صاحب آن عقدی منعقد نشده باشد استفاده کننده باید بابت آنچه که استفاده کرده به صاحب مال بدهد. به وجهی که بابت این استفاده پرداخت می شود اجرت المثل گویند. برای تعیین اجرت المثل با در نظر گرفتن شرایط و اوضاع و احوال و نوع استفاده، عین مال و... مبلغی برای مدت استفاده در نظر گرفته می شود. در مقابل اجرت المثل، اجرت المسمی قرار دارد یعنی اجرتی که برای آن توافق کرده اند

## احضاریه :

ورقه ای است که در آن قاضی امر می کند تا کسی اعم از متهم، مطلع یا گواه در دادسرا یا دادگاه حاضر شود. در صورت ابلاغ احضاریه با رعایت تشریفات مربوطه و عدم حضور مخاطب بدون عذر موجه موجب خواهد شد تا توسط مراجع قضائی جلب گردد.

## اخذ به شفعه :

هر گاه مال غیر منقول قابل تقسیمی مانند خانه، زمین و ... بین دو نفر مشترک باشد و یک نفر از شرکاء سهم خود را به شخص ثالثی بفروشد. شریک دیگر حق دارد به اندازه وجهی که شخص ثالث پرداخته، به او بدهد و کل مال را تملک کند. و شخص ثالث نقشی در اعمال این حق از سوی شریک ندارد از این رو در معامله مال غیر منقول که دارای شریک است باید توجه کرد که شریک حق اعمال اخذ به شفعه را دارد...

## اخطاریه :

یاد آوری کردن رسمی یک یا چند موضوع در حدود مقررات به مخاطب است مانند اخطاریه برای حضور در دادگاه حقوقی یا ارائه اصول اسناد در دادگاه یا برای پرداخت مالیات توسط اداره دارایی.

## ارتفاق :

حقی است برای ملک شخصی در ملک دیگری مانند حق عبور آب از ملک غیر و حق گشودن ناودان در زمین دیگری

## ارش :

در معاملات عبارتست از کسری که صورت آن تفاوت قیمت صحیح و معیب روز تقویم مال مورد معامله و مخرم آن کسر، قیمت صحیح روز تقویم می باشد هر گاه این کسر ضرب در قیمت بهای روز وقوع عقد نشود حاصل این ضرب را ارش می گویند و در امور کیفری هر گاه در قانون برای عضو دیه مقرر و تعیین نشده باشد برای آن عضو توسط کارشناس یا قاضی ارش تعیین می شود برای مثال دست دارای دیه معین است یعنی 50 نفر بیشتر ولی طحال دارای دیه مشخص نمی باشد و قاضی برای آن ارش تعیین می کند.

## استرداد دعوی :

در امور حقوقی هر گاه خواهان (مدعی) از دعوی خود با رضایت خودش از دادخواست و ادعایش صرفنظر کند اصطلاحاً گفته می شود که خواهان دعوایش را مسترد کرده است.

## اظهار نامه ثبتی :

ورقه ای است چاپی و رسمی که توسط مامور دولتی مخصوص که مامور توزیع اظهار نامه نام دارد پس از تنظیم صورت مجلسی شامل حدود و نوع ملک و مشخصات آن و مالک و امضاء ریش سفیدان محل و مطلعین، بین متصرفین به عنوان مالکیت توزیع می شود مندرجات آن باید به صورت مجلس بالا مطابق باشد و شماره ملک هم باید در اظهار نامه ثبت شود.

## اعاده دادرسی :

از راه های رسیدگی فوق العاده به پرونده های مدنی، کیفری است که حکم قطعی در مورد آنها صادر شده است

## اعتراض ثالث :

نوعی شکایت و دعوی است که از روشهای فوق العاده شکایت از احکام مدنی است. و در این دعوی شاکی از کسانی است که شخصاً یا نماینده اش را در مرحله محاکمه ای که منجر به صدور رای شده به عنوان اصحاب دعوی حضور ندارد و رای مزبور به حقوق او خلل وارد می کند به این اعتراض، اعتراض شخص ثالث نیز می گویند.

## اعسار :

اگر شخصی به واسطه عدم کفایت دارائی یا دسترسی به مالش پرداخت هزینه دادرسی یا پرداخت بدهی اش را نداشته باشد می گویند فلانی معسر است و باید برای اثبات اعسارش درخواست اعسار از دادگاه صالح به عمل آورد.

## التزام :

در تعهد کردن گاهی در قراردادها وجهی به عنوان وجه التزام آورده می شود که به منظور تامین خسارت عدم انجام تعهد یا تاخیر آن مقرر می شود

## اماره :

هر چیزی که حکایت از چیزی دیگری داشته باشد و در پرونده های مدنی و کیفری ظاهراً جزء کاشفیت از واقع دارد مانند تصرف شی که در ظاهر کاشف از مالکیت متصرف است البته ممکن است حذف آن نیز ثابت شود. برای مثال ممکن است شی که در تصرف شخص الف است در مالکیت ب باشد که الف بصورت امانی آنرا در اختیار گرفته است.

## امور حبسی :

به اموری گفته می شود که دادگاه ها باید بدون ملاحظه اینکه در مورد آنها اختلاف و مرافعه ای وجود پیدا کرده یا نه وارد رسیدگی شده و اتخاذ تصمیم کنند مانند رسیدگی به اموال متوفای وارث، تعیین سرپرست برای دیوانه ای که ولی یا قیم ندارد.

## اناطه کیفری :

عبارتست از توقف رسیدگی یا تعقیب امر جزائی بر امر مدنی یا تجاری یا اداری یا کیفری برای مثال شخصی علیه دیگر به عنوان تخریب ساختمان شکایت می کند و طرف مقابل در پاسخ می گوید که ساختمان متعلق به خودش است برای رسیدگی به

این ادعا که امری است مدنی پرونده کیفری تا زمان مشخص شدن مالکیت متهم نسبت به ملک متوقف شده و رسیدگی به امر کیفری به امر مدنی منوط و موکول می شود.

### **پایندان :**

ضامن

### **تامین خواسته :**

تضمینی است که خواهان از اموال خوانده قبل از صدور حکم به نفع خودش از دادگاه می خواهد

### **تامین دلیل :**

صورت برآوری دادگاه از دلایل اثبات دعوی قبل از طرح و اقامه دعوی به منظور جلوگیری از زوال و از بین رفتن دلایل است که به درخواست خواهان به عمل می آید. برای مثال برای بررسی میزان پیشرفت کار ساختمان در زمان پی کنی و عدم انجام به موقع آن از سوی پیمانکار، کارفرما می تواند با تامین دلیل آن را برای آینده حفظ کرده و برای مطالبه خسارت استناد کند.

### **ترک انفاق :**

ندادن خرج و مخارج اشخاص واجب النفقه در صورت داشتن استطاعت را گویند. در مورد زن اگر شوهر استطاعت نداشته باشد و زن از او تمکین کند و در عین حال شوهر نه او را طلاق دهد و نه نفقه را بپردازد جرم ترک انفاق محقق می شود.

### **تصرف :**

عبارتست از اینکه مالی در اختیار کسی باشد و او بتواند نسبت به مال تصمیم گیری کند

### **توقیف اجرای حکم :**

قلع موقت اجرای حکم، یا قرار به دستور مقام صلاحدید پس از شروع به اجراء

## توقیف اجرائی :

توقیف مال مدیون یا محکوم علیه از طریق اجراء ثبت یا اجرای احکام. دادگستری این توقیف مانع از تصرف مالک در مال خود می باشد. ثالث : شخص دیگری غیر از طرفین قرارداد.

## جرح :

در دو معنا بکار می رود یکی تجاوز به جسم آدمی است که موجب خونریزی در قسمت بیرونی بدن می شود و دیگری ایراد بر عدالت دیگری نزد قاضی است مثل جرح شاهد بواسطه نداشتن شرایط شهادت.

## جرم :

عملی که قانون برای آن مجازات یا اقدامات تامینی مقرر کرده است مثل سرقت، کلاهبرداری، تصرف عدوانی و ...

## جعل :

در امور کیفری عبارتست از قلب حقیقت یا بوسیله یک عمل مادی مانند الحاق کلمه ای یا دست بردن در متن یک سند اجاره یا در مضمون یک عمل حقوقی بدون اینکه همراه یک عمل مادی باشد مثل اینکه منشی دادگاه در نوشتن اظهارات متهم جعل کند. بدین نحو که متهم اقرار به ارتکاب جرم نکرده باشد و می گوید اتهام وارده را قبول ندارم و او از قول متهم به سوء نیت می نویسد که اتهام وارده را قبول دارم.

## جلد :

تازیانہ را گویند و اگر مجازات حدی کامل باشد صد تازیانہ است مثل حد زناى مردی که همسر ندارد

## جنون :

صفت کسی است که فاقد تشخیص نفع و ضرر و حسن و قبح است. جنون یا دائمی است یا ادواری هر یک از دو دسته جنون دائمی و ادواری ممکن است متصل به دوران کودکی باشد یا بعد از سن رشد عارض گردد.

## ترک انفاق :

ندادن خرج و مخارج اشخاص واجب النفقة در صورت داشتن استطاعت را گویند. در مورد زن اگر شوهر استطاعت نداشته باشد و زن از او تمکین کند و در عین حال شوهر نه او را طلاق دهد و نه نفقه را بپردازد جرم ترک انفاق محقق می شود.

## چک :

نوشته ای است که به موجب صادر کننده وجوهی را که نزد دیگری دارد (بانک) کلاً یا قسمتی از آنرا به نفع خود یا دیگری از بانک مسترد می کند.

## چک بی محل :

چکی است که صادر کننده اش در تاریخ سر رسید وجه اعتباری نزد بانک نداشته و یا اگر دارد کمتر از میزان مندرج در چک می باشد

## حبس :

در امور مدنی نوعی عقد است که شبیه وقف می باشد ولی با وقف تفاوتهایی دارد برای مثال در حبس ملک از مالکیت حبس کننده خارج نمی شود. در واقع حبس نوعی حق انتفاع از ملک دیگری را تحت شرایطی ایجاد می کند و اما در امور کیفری حبس نوعی مجازات است که آن را مترادف با زندان می دانند.

## حجر :

در دو معنا بکار می رود یکی تجاوز به جسم آدمی است که موجب خونریزی در قسمت بیرونی بدن می شود و دیگری ایراد بر عدالت دیگری نزد قاضی است مثل جرح شاهد بواسطه نداشتن شرایط شهادت.

## حضانة :

نگهداری مادی و معنوی و تربیتی طفول توسط کسانی که قانون مقرر کرده است

## حکم :

در امور مدنی و کیفری چنانچه رای دادگاه راجع به ماهیت دعوی و قاطع باشد به آن حکم اطلاق می شود. برای مثال دادگاه در رای خود خواهان را به بی حقی محکوم می کند یا خوانده را به پرداخت خسارت خواهان محکوم می کند.

## حکم حضوری :

اصل بر این است که آرای محاکم حضوری است مگر آنکه خوانده یا وکیل او در هیچ یک از جلسات دادرسی حضور نداشته یا لاجیه ای در پاسخ دعوی به دادگاه نفرستاده و یا ابلاغ اخطاریه به خوانده واقعی نباشد.

## خسارت دادرسی :

عبارتست از هزینه دادرسی و حق الوکاله وکیل و هزینه های دیگری که مستقیماً مربوط به دادرسی بوده و برای اثبات دعوی یا دفاع لازم است مانند هزینه دستمزد کارشناس - خسارت دیرکرد (تاخیر تادیه) خسارتی است که از بابت دیرکرد پرداخت وجه نقد از طرف مدیون باید به طلبکار داده شود.

## خیار :

تسلط بر از بین بردن اثر حاصل از عقد را گویند. خیار ممکن است ناشی از توافق و تراضی طرفین باشد مانند خیار شرط در عقد بیع که به موجب آن شرط می شود که در مدت معینی برای خریدار یا فروشنده یا هر دو یا نفر سومی اختیار فسخ معامله باشد و یا ممکن است خیار ناشی از حکم قانون باشد مانند خیار مجلس که به موجی آن مادام که مجلس عقد به هم نخورده طرفین حق بر هم زدن معامله را دارند.

## دادخواست :

شکوائیه ای است که به مراجع قضائی به طور کتبی و در اوراق مخصوص عرضه می شود اصولاً در دعاوی مدنی خواهان باید خواسته اش را با تقدیم دادخواست در دادگاه طرح کند.

## داوری :

حل و فصل خصومت توسط غیر قاضی و بدون رعایت تشریفات رسمی رسیدگی به دعاوی

## دیه :

اصولاً مالی است که از سوی مجرم به شخصی که به واسطه ارتکاب جرم مصدوم و یا در مورد متوفی به ورثه او باید پردازد. در پاره ای از موارد مجرم به جای قصاص باید دیه پردازد. برای مثال اگر انجام قصاص مقدور نباشد یا صاحب خون یا مصدوم از قصاص عفو کند.

## رهن :

عقدی است که به موجب آن مدیون مالی را برای وثیقه به بستانکار می دهد و اگر مال مورد رهن از حالت وثیقه بودن خارج شود می گویند از مال مورد رهن فک رهن شده است.

## سفه :

شخص کبیر و بالغ که اعمال و تصرفاتش در امور مالی اش عقلانی نباشد و نتواند ضرر و نفعش را درست تشخیص دهد بنابراین ممکن است شخص دارای معلومات و دانش بالائی باشد ولی در امور سفیه محسوب شود. اعمال شخص سفیه در امور غیر مالی صحیح است برای مثال اگر مرد سفیهی ازدواج کند عقد نکاح او که امری غیر مالی صحیح بوده ولی برای تعیین مهریه نیاز به اجازه سرپرست قانونی اش است.

## ظهر نویسی :

دارنده سند بدهی مانند چک، سفته و ... در پشت آن با امضاء اجازه دستور می دهد که مبلغ سند به شخص دیگر پرداخت شود

## قذف :

مانند حکم تصمیم دادگاه است ولی قاطع دعوی نبوده و یا در ماهیت دعوی نیست مانند قرار توقیف دعوی مدنی به لحاظ فوت خواهان

## قصاص :

کیفری است که مرتکب به آن محکوم می شود و باید با جنایت او برابر باشد. قصاص دو نوع است قصاص عضو و قصاص نفس

### قیم :

نماینده قانونی محجور که از طرف مقام قضائی صالح در صورت نبودن ولی قهری و وصی او تعیین می شود مانند طفلی که پدر و پدر بزرگ پدری نداشته و از طرف دادگاه به عنوان قیم انتخاب می شود.

### کیفر خواست :

درخواست دادستان از دادگاه برای به کیفر رساندن متهم. کیفر خواست حاوی نام و مشخصات محل اقامت و نوع اتهام و دلایل آن و مواد قانونی مورد استناد برای اعمال کیفر و... می باشد.

### مبیع :

کالائی که فروخته می شود در مقابل ثمن.

### متداعیین :

طرف دعوی، اصحاب دعوی

### متهم :

کسی است که فاعل جرم تلقی شده ولی هنوز دلایل کافی برای محکومیت او وجود نداشته و یا حکم محکومیت قطعی او صادر نشده است

### محکوم به :

موضوعی که محکوم علیه به آن محکوم شده است و برای مثال در دعوی مطالبه اجبار به بهای معوقه اگر مستاجر به پرداخت .... ریال محکوم شود، محکوم به .... ریال خواهد بود.

### مرتهن :

کسی که مال غیر پیش او بصورت رهن است

## مستثیات دین :

اموالی که برابر قانون در هنگام اجرا و اقرار یا سند مشمول مقررات اجرا نیست و توقیف نمی شوند. و به ضرر مالک محکوم و مدیون به فروش نمی رسد مانند مسکن مورد نیاز محکوم علیه.

## معاینه محل :

بازدید مراجع قضائی یا اداری از محل وقوع جرم یا مورد دعوی و اختلاف